

# تأثیر بحران اقتصادی عصر فاطمی از نگاه مقریزی

عبدالله ناصری طاهری

تقی الدین احمد بن علی مقریزی (۷۶۶-۸۴۵ق) در قاهره متولد شد. او معاصر دولتهای ممالیک بحری و برجی بود. ابتدا مذهب حنفی داشت، ولی پس از وفات پدرش، به آیین شافعی گروید. او در طول حیات خویش، عهده دار مناصب متعددی بود؛ مانند کارگزار دیوان انشاء، قاضی، خطیب دولتی و محتسب قاهره. جایگاه مقریزی در فرهنگ اسلامی به تاریخنگاری اوست، او چند سالی در قاهره نزد ابن خلدون درس خواند و از او تأثیر پذیرفت، آثار مهمی بر جای گذاشته است. آنچه از تالیفات مهم او می توان برشمرد بدین شرح است:

- ۱- النزاع و التخاصم فیما بین بنی امیة و بنی هاشم؛
- ۲- الالمام باخبار من بارض الحبشه من ملوک الاسلام؛
- ۳- الذهب المسبوك بذكر من حج من الخلفاء والملوك؛
- ۴- المقاصد السنية لمعرفة الاجسام المعدنية؛ ۵- شذور العقود فی ذکر النقود؛ ۶- البیان و الاعراب فیمن نزل ارض مصر من الاعراب؛ ۷- اغاثة الامة بکشف الغمة؛ ۸- اتعاظ الحنفا بذكر الائمة الفاطمیین الخلفاء؛ ۹- السلوك لمعرفة دول الملوك؛ ۱۰- المقفی الكبير و ۱۱- المواعظ والاعتبار بذكر الخطط و الآثار معروف به خطط مقریزی

مقریزی آثار فراوانی بر جای گذاشته و نظریات بدیعی در حوزه تاریخنگاری از خود بر جای گذاشته، اما آنچه او را از همه مورخان ممتاز می کند، بررسی سیاستهای سوء اقتصادی حکومت و تأثیر آن بر اجتماع می باشد. او در کتاب کم حجم اغاثة الامة بکشف الغمة، در خصوص عوامل بحران اقتصادی،

ضمن قبول بلایای آسمانی و طبیعی، احراز مناصب دولتی توسط کسانی که قدرت جمع آوری پول برای سلطان دارند (بدور از در نظر گرفتن شایستگیها) و نحوه برخورد با پول کشور را دو عامل مهم در نابسامانی اقتصادی-اجتماعی-می داند. به قول دکتر مصطفی الساعی، مقریزی اولین نویسنده عرب است که به اثر پول (نقد) در حیات اقتصادی و اجتماعی پرداخته است.<sup>۲</sup>

دولت فاطمی پس از قریب شصت سال از برافراشتن پرچم خود در افریقیه، در زمان المعز، چهارمین خلیفه، سیطره خود را بر مصر گسترانید. در سال ۳۵۸ قمری که سپاه فاطمی به فرماندهی جوهر سیسیلی به مصر آمد، شاهد قحطی، و با، گرانی و غارت اموال که از هفت سال پیش شروع شده بود، شد. این کثیر می نویسد<sup>۳</sup>: «اوضاع ناگوار اجتماعی و مرگ کافور اخشیدی، المعز را بر آن داشت تا فرصت را غنیمت شمارد و به مصر حمله کند. از زمان فتح تا نیمه قرن پنجم، که المستنصد بالله حکم می راند، دوره شکوفایی و تقویت دولت فاطمی است. اگرچه در فواصلی از این دوره امنیت اجتماعی و اقتصادی به چشم می خورد و به قول ناصر خسرو که در همان روزها، مصر را زیارت کرده، «اهل بازار مصر هر چه فروشند راست گویند و اگر کسی به مشتری دروغ گوید او را بر اشتري نشانند و زنگی بدست او دهند و در شهر بگردانند و زنگ می جنبانند و منادی می کند که: «من خلاف گفتم، ملامت می بینم و هر که دروغ گوید سزای او ملامت باشد». «<sup>۵</sup>. و یا نوشته مورخ دیگری در قرن هشتم: «در شهر مصر امن تا به حدیست که دکان بزازان و صرافان و جواهریان که پر از دیبای ملون و قصبهای منور و زرو و سیم و جواهر است، به شبها چیزی از دکان بر ندارند و در دکانها برنبنند، ... و هرگز کسی از دکان دزدی نکردی». «<sup>۶</sup> اگر چه تاحدودی این چنین بوده، اما بحرانهای اقتصادی مصر فراوان و قابل تأمل است. یک سال پس از فتح مصر، محتسب مصر به دستور جوهر سیسیلی، تاجران گندم، عاملان احتکار و گرانی این کالای اساسی را تنبیه و رسوا کرد.<sup>۷</sup> یکی از عوامل بحران اقتصادی در این دوره، همانند گذشته، رودخانه نیل بود. طغیان یا کاهش آب موجب بحران کشاورزی، گرانی و نهایتاً قحطی و گرسنگی می شد. (البته کاهش آب بیشتر به چشم می خورد و مسلمانان گاهی به برگزاری نماز استسقاء مجبور می شدند.<sup>۸</sup> در روزگار فاطمیها نیز مسأله رودخانه نیل، یکی از مسائل مهم دولت بود و حتی الحاکم بامرالله از این هیثم بصری

که مدعی رفع مشکل بود دعوت کرد، اما موفق نشد. الحاکم بامرالله راه دیگری در پیش گرفت. برای تمام اجناس، نرخ مشخصی تعیین کرد. گرانفروشان و محتکران را رسوا کرد و فرمانی مبنی بر فروش انحصاری گندم به آسیاب بانان صادر کرد.<sup>۹</sup> خود او همانند یک محتسب و به هیئت ناشناسی در شهر تفحص کرد و با عاملان دولتی گرانی شدت برخورد می کرد. در یکی از گشت و گذرها در سال ۴۰۳ ق، بدین نتیجه رسید که متولی امور حسبه قاهره که منصب ریاست پلیس شهر را نیز داشت، عامل گرانی گندم و کمبود نان بوده است، لذا او را عزل کرد و یک دستش را برید.<sup>۱۰</sup> الحاکم حتی برای جلوگیری از افزایش قیمت احشام (مانند شتر، گاو و گوسفند) که بسیاری از آنها به سبب بیماری طاعون از بین رفته بودند، فرمان منع ذبح آنها را بجز در عید قربان صادر می کرد. مصر در زمان فرزند الحاکم -الظاهر لاغزاز دین الله- که مدت شانزده سال (۴۱۱-۴۲۷ هـ) سلطنت کرد، به علت ضعف شخصیت و سوء تدبیر او، شاهد بحرانهای اقتصادی بسیاری بود. مقریزی نقل می کند که در اواخر سال ۴۱۴ ق کمبود نان و گرانی به حدی رسید که مردم فریادکنان به کوه پناه برده، به درگاه خداوند استغاثه کردند.<sup>۱۱</sup>

یکی از عظیمترین بحرانهای اقتصادی در دولت فاطمی، در عصر المستنصر، هشتمین خلیفه، و در سال ۴۵۷ واقع شد و به مدت هفت سال به طول انجامید. مقریزی عوامل عمده این بحران را، ضعف سلطنت، غلبه نظامیان بر امور دولت و کاهش آب نیل می داند. در آن سالها، گرسنگی به حدی رسید که مردم گوشت مردار و سگ می خوردند.<sup>۱۲</sup> بسیاری جلای وطن کردند.<sup>۱۳</sup> زنی که محتاج مقدای آرد گندم بود و مایل بود جواهرات خود را با آن معاوضه کند، ناامید و درمانده شد، فریادش به گوش خلیفه رسید و او وزیر را احضار کرد.<sup>۱۴</sup> مقریزی تنها تاریخنگاری است که زمینه ها و نتایج سیاسی -اجتماعی بحرانهای اقتصادی را می پردازد. او معتقد است آنچه به عنوان گرانی به چشم می خورد فی الواقع گرانی نیست. سوء تدبیر و ضعف مدیریت است. به عبارت دیگر اگرچه کاهش یا طغیان رودخانه نیل یا درگیریهای خطی داخل حکومت مصائبی را پدید آورده و موجب بحران شده است، اما همه آنها ریشه در سوء مدیریت دارد. «ان الحال فی فساد الامور انما هو سوء التدبیر لاغلاء الاسعار.»<sup>۱۵</sup> و «لیس بالناس غلاء، انما نزل بهم سوء التدبیر من الحکام.»<sup>۱۶</sup>

از نظر مقریزی، مظاهر این بی تدبیری اینها هستند:

۱- رواج رشوه خواری در دستگاههای دولتی، و به تعبیر

مقریزی: «ولاية المخطط السلطانية و المناصب الدينية بالرشوة».<sup>۱۷</sup>

۲- افزایش هزینه های خدمات دولتی و بالا بردن مالیاتها که مقریزی از آن با عبارت «غلاء الاطیان» یاد می کند.<sup>۱۸</sup>

### آثار و نتایج بحران اقتصادی بر امنیت اجتماعی

در فاصله سالهای ۴۱۴-۴۱۵ و در عصر الظاهر لاغزاز دین الله، که قحطی و گرانی پدید آمد، دولت از پرداخت مستمری غلامان ناتوان بود. آنها به شهر تنیس حمله برده، عامل حکومت را عزل و از خزانه ۱۵۰۰ دینار ستاندند.<sup>۱۹</sup> علاوه بر شهرها، در مزارع و روستاها شورش و طغیان بردگان و بیچارگان به علت گرسنگی آنها، شدت گرفت. این شورشها را مقریزی در «الخطط» و «اتعاظ الحنفاء» و مسیحی در «اخبار مصر» نقل کرده اند.

در عید قربان ۴۱۵ هـ. ق هنگامی که سفره طعام در قصر فاطمی گسترده شد، غلامان بر سفره هجوم برده، فریاد زدند: «الجوع، الجوع نحن احق با کل سماط مولانا». <sup>۲۰</sup> در سوال همین سال، کاروان حج مغرب (شمال افریقا و اندلس) که از مصر می گذشت غارت شد، برخی مقتول شده، بقیه بازگشتند.<sup>۲۱</sup>

در روزگار المستنصر بالله نیز که قحطی، گرانی و گرسنگی شدت گرفت، سپاهیان و نظامیان به غارت اموال و راهزنی دست زدند، دزدان بی شمار شدند و ترس مردم فزونی گرفت.<sup>۲۲</sup> ناامنی در این سالها به حدی رسید که حتی مسیر کاروانهای حج تغییر کرد.<sup>۲۳</sup> آنچه از اسناد المستنصر (سجلات المستنصریه) برمی آید، دولت مرکزی در برخی از مناطق مانند اسکندریه، جیزه، صعید بالا و صعید پایین تضعیف شد.

### تهدید تمامیت ارضی و سیاست خارجی

همزمان با بحران اقتصادی سال ۳۹۵ قمری، ابورکوه<sup>۲۴</sup> از شمال افریقا به قصد غلبه بر مصر حرکت کرد و بالقب الثائر بامرالله، خود را خلیفه مسلمانان نامید.<sup>۲۵</sup> الحاکم بر او غلبه کرد و وی را سربرید.

سلطه فاطمی که پس از مصر به شام نیز کشیده شده بود در خلال سالهای بحرانی ۴۰۲-۴۰۳ از سوی اعراب شام تهدید شد. خصوصاً بنو جراح که خطبه به نام امیر مکه، که خود را الراشد بالله نامیده بود، خواندند و تبعیت خود را از دولت فاطمی انکار کردند. در سال ۴۰۴ و پس از بحران اقتصادی،

۷. مقربزی، ا. اعماظ الحنفاء بأخبار الائمة الفاطميين الخلفاء. تحقیق جمال الدین الشیال. (قاهره، ۱۳۸۷هـ). ج ۱، ص ۱۲۰.
۸. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهره. (مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي). ج ۱، ص ۲۹۱.
۹. اغاثة الامة. ص ۵۱.
۱۰. نام این مسئول، غین خادم نقل شده است. اعماظ الحنفاء. ج ۲، ص ۸۹.
۱۱. اعماظ الحنفاء. ج ۲، ص ۱۳۴-۱۳۵.
۱۲. اغاثة الامة. ۵۹-۶۰.
۱۳. النجوم الزاهرة. ج ۵، ص ۱۱.
۱۴. ابن ابیاس حنفی، بدائع الزهور فی وقائع الدهور. تحقیق محمد مصطفی. (قاهره، ۱۴۰۲هـ). ج ۱، ص ۲۱۸. همین گزارش را مقربزی در اغاثه الامة نقل می کند (ص ۶۱).
۱۵. اغاثة الامة. ص ۱۲۲.
۱۶. همان. ص ۱۲۵.
۱۷. همان. ص ۷۸.
۱۸. همان. ص ۸۲.
۱۹. اعماظ الحنفاء. ج ۲، ص ۱۵۷.
۲۰. همان. ص ۱۶۲.
۲۱. همان.
۲۲. همان. ص ۲۷۹.
۲۳. الخطط. ج ۱، ص ۲۰۲.
۲۴. او که خود را از اولاد هشام (نواده عبدالرحمان الداخل) می نامید، یکی از شورشهای ضدفاطمی را در لیبی امروزی به راه انداخت.
۲۵. ابن فلانسی، ذیل تاریخ دمشق. تحقیق سهیل زگار. (دمشق، دار حسان للطباعة و النشر، ۱۴۰۳هـ). ص ۱۰۴.
۲۶. ر. ک: بیت المقدس شهر پیامبران (ج ۳ جغرافیای اسلام). تالیف نگارنده. (تهران، سروش، ۱۳۶۷). ص ۳۶.
۲۷. او از سوی الحاکم والی افریقیه شد، سپس عصیان کرد و خطبه بنام عباسی خواند.
۲۸. ابن عذاری، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب. تحقیق کولان و پروونسال. (بیروت، دارالثقافة، ۱۹۸۳م). ج ۱، ص ۲۷.
۲۹. دولت بنوعمار، که یکی از دولتهای صاحب عزت و فرهنگ دوست در تاریخ شیعه است، تا سال ۵۰۳، زمان هجوم صلیبها، در طرابلس حکومت کرد.
۳۰. اعماظ الحنفاء. ج ۲، ص ۳۰۰-۳۰۵.
۳۱. المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. تحقیق محمد و مصطفی عبدالقادر عطا. (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲هـ). ج ۱۶، ص ۱۷۳.
۳۲. در کتاب «علل و آثار جنگهای صلیبی» که در دفتر نشر فرهنگ اسلامی تحت چاپ است.



الحاکم بامرالله، سپاهی به فرماندهی علی بن جعفر بن فلاح به شام فرستاد و او موفق شد بسیاری از عصبانها را فرو نشانند. اما شورشها پایان نگرفت. مُرّج بن دَعْفَل، امیر بنوجراح، با صالح بن مرداس و سنان بن علیان، رؤسای دو قبیله دیگر شامی، مشترکاً پیمان قیام علیه فاطمها بستند. بخشهایی از فلسطین نصیب بنوجراح و مناطق مرکزی و شمالی شام سهم همپیمانان او شد و چندساله سلطه فاطمیان از شام رخت برپست. ۲۶ در همان سالها که فاطمیان سرگرم شام بودند، امپراتور روم باسیلوس دوم به سلطه فاطمیان در سیسیل تجاوز کرده، بر مناطقی از سیسیل چیره شد. در سال ۴۳۸ افریقیه (تونس فعلی) بنا به گزارش ابن عذاری توسط معزین بادیس صنهاجی ۲۷ از اطاعت فاطمیان خارج شد. ۲۸

در دوره المستنصر بالله، که بحران اقتصادی شدت گرفت و قدرت دولت مرکزی کاهش یافت، فلسطین از سوی «بنو اُرْتُق» از حوزه فاطمی خارج شد. حسن بن عمار، قاضی دولت فاطمی، در طرابلس شام، در سال ۴۶۴ امیرنشین مستقل بنوعمار را اعلان کرد. ۲۹

امیر مکه، محمدبن جعفر بن ابوهاشم، در سال ۴۵۸ نام السمتنصر را از خطبه انداخت و مهنا، امیر مدینه، نیز دو سال بعد همان معامله را کرد. ۳۰ ابن جوزی می نویسد: امیر مکه به منظور اطلاع از موقعیت خلیفه فاطمی دو سفیر به مصر فرستاد تا چنانچه قدرت خلیفه مشهود است، دوباره خطبه را به نام المستنصر بخواند. سفیران خبر از بحران مصر و ضعف خلافت فاطمی آوردند. ۳۱ قریب ده سال نام خلیفه عباسی و سلطان سلجوقی بر منابر مکه قرائت شد تا دوباره یکی از علویان قیام کرد و نام فاطمی دوباره بر مکه طنین انداخت.

ضعف دولت فاطمی در برخورد با صلیبها، بحث مفصلی است که نگارنده در جای دیگری به آن پرداخته است. ۳۲

### پاورقیها:

۱. ر. ک: اغاثة الامة بکشف القمه. (بیروت، ۱۹۸۰م). مقدمه، ص ۲۶-۳۵.
۲. نگارنده امید دارد در آینده و در مقاله مستقلی به تحلیل نظریات اقتصادی-اجتماعی مقربزی بپردازد.
۳. حسن ابراهیم حسن، الفاطميين فی مصر و اعمالهم السياسية و الدینیة. (قاهره، ۱۹۳۲). ص ۹۶.
۴. البدایة و النهایة. تحقیق علی شیری. (بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ). ج ۱۱، ص ۳۲۰.
۵. سفرنامه. به کوشش دبیر سیاقی. (تهران، زوار، ۱۳۷۰). ص ۹۴-۹۵.
۶. ابوالقاسم کاشانی، زبده التواریخ. به کوشش دانش پژوه. (تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲ش)، ص ۷۶.